

## تعاریف و مفاهیم به کار رفته در این نشریه

### جمعیت (جامعه مورد سرشماری)

اعضای همه خانوارهای معمولی ساکن، مؤسسه‌ای و گروهی که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در ایران قرار دارد و نیز اعضای تمامی خانوارهای معمولی غیر ساکن کشور، جامعه مورد سرشماری را تشکیل می‌دهند. اعضای هیئت‌های سیاسی و سفارتخانه‌های خارجی در ایران و افراد خانوار آنان جزو جامعه مورد سرشماری محسوب نمی‌شوند، اما ایرانیان عضو هیئت‌های سیاسی و سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور و افراد خانوار آنان، جزو جامعه مورد سرشماری به حساب می‌آیند.

### خانوار معمولی

خانوار معمولی از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه مشترک زندگی می‌کنند و با یکدیگر هم‌خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. در مواردی خانوار معمولی می‌تواند یک نفره باشد.

### خانوار معمولی ساکن

آن دسته از خانوارهای معمولی که در اقامتگاه ثابت (مکان‌های محل سکونت ساخته شده از مصالح سخت و نیز چادر ثابت، آلونک، کپر و...) سکونت دارد، "خانوار معمولی ساکن" نامیده می‌شود.

### خانوار معمولی غیر ساکن

آن دسته از خانوارهای معمولی که در زمان سرشماری در اقامتگاه ثابتی سکونت ندارند، "خانوار معمولی غیر ساکن" نامیده می‌شوند. این دسته از خانوارها سه گروه زیر را در بر می‌گیرد:

- ۱- خانوارهایی که در زمان سرشماری در کوچ به سر می‌برند و یا در خارج شهرها و آبادی‌ها در سرپناه قابل حمل زندگی می‌کنند.
- ۲- خانوارهایی که در محل ثابتی زندگی نمی‌کنند و به طور مداوم محل زندگی خود را تغییر می‌دهند، مانند کولی‌ها.
- ۳- خانوارهایی که محل زندگی مشخصی ندارند و شب‌ها معمولاً در پارک‌ها، خرابه‌ها، زیرپل‌ها و... بیتوته می‌کنند.

### خانوار گروهی<sup>(۱)</sup>

مجموعه افرادی که تمام یا اغلب آنان به دلیل دارا بودن شرایط خاص (به‌طور عمده داشتن ویژگی مشترک) اقامتگاه مشترکی را برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند و به طور مشترک امور زندگی در آن اقامتگاه را اداره می‌کنند خانوار گروهی نامیده می‌شوند.

(۱) در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ خانوارهای گروهی به عنوان بخشی از خانوارهای معمولی ساکن محسوب شده‌اند.

**خانوار مؤسسه‌ای**

مجموع افرادی که به دلیل داشتن هدف یا ویژگی‌های مشترک با هم در یک مؤسسه زندگی می‌کنند و آن مؤسسه بنا بر مجوز یا بر اساس مقررات و ضوابط معینی مسئولیت منزل دادن (ارائه محل سکونت همراه با خدمات و تسهیلات) به آنان را بر عهده دارد خانوار مؤسسه‌ای نامیده می‌شود نمونه‌های مشخصی از خانوارهای مؤسسه‌ای عبارتند از:

پادگان‌ها و پاسگاه‌های نظامی و انتظامی، خوابگاه‌های دانشجویی که تحت مدیریت یکی از دانشگاه‌ها اداره می‌شود بجز خوابگاه‌های متأهلین، آسایشگاه‌های روانی، خانه‌های سالمندان، شیرخوارگاه‌ها، آسایشگاه‌های معلولین، زندان‌ها و ندامتگاه‌ها، پانسیون‌ها و خوابگاه‌های دانش‌آموزی.

**اقامتگاه معمولی**

اقامتگاه معمولی خانوار، محلی است که خانوار در زمان سرشماری در آنجا زندگی می‌کند، مشروط بر اینکه اقامتگاه دیگری نداشته باشد. اقامتگاه معمولی آن دسته از خانوارهای معمولی ساکن که در زمان سرشماری بیش از یک اقامتگاه دارند، محلی است که بیش‌ترین مدت سال را در آنجا به‌سر می‌برند.

**شهر (نقطه شهری)**

منظور از شهر، هر یک از نقاطی است که دارای شهرداری باشد.

**جمعیت غیر ساکن**

منظور از جمعیت غیر ساکن در هر یک از محدوده‌های شهرستان، استان یا کشور، جمعیت تمامی خانوارهای معمولی غیر ساکنی است که در همان محدوده سرشماری شده‌اند.

**سرپرست خانوار**

منظور از "سرپرست خانوار"، عضوی از خانوار است که در خانوار به این عنوان شناخته می‌شود. سرپرست خانوار معمولاً مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه‌کردن درآمدهای خانوار را بر عهده دارد. سرپرست خانوار لزوماً مسن‌ترین عضو خانوار نیست و می‌تواند زن یا مرد باشد. بدیهی است که در خانوار یک‌نفره، همان شخص سرپرست خانوار است.

**سن**

منظور از سن، تعداد سال‌های کاملی است که از زمان تولد فرد گذشته است.

**محل تولد**

آبادی یا شهری است که در زمان تولد فرد اقامتگاه معمولی مادر او در آنجا قرار داشته است. ملاک تشخیص شهر یا آبادی بودن محل تولد، زمان تولد فرد می‌باشد.

**مهاجران وارد شده**

آن دسته از اعضای خانوارهای معمولی ساکن، گروهی و مؤسسه‌ای که شهر یا آبادی محل اقامت خود را در فاصله آبان ۱۳۷۵ تا آبان ۱۳۸۵ تغییر داده‌اند، مهاجر شناخته می‌شوند.

**محل اقامت قبلی**

منظور آخرین اقامتگاه معمولی مهاجران وارد شده طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به هر شهر یا آبادی، قبل از مهاجرت است. شهرستان و استان محل اقامت قبلی بر اساس محدوده فعلی تقسیمات کشوری و وضعیت شهر یا آبادی بودن آن بر اساس وضعیت زمان ترک محل اقامت قبلی تعیین می‌شود.

**مدت اقامت**

منظور از مدت اقامت در همین شهر یا آبادی، مدت آخرین دوره اقامت پیوسته مختوم به زمان سرشماری فرد مهاجر در شهر یا آبادی محل سرشماری است.

**علت مهاجرت**

**جستجوی کار:** افرادی که قبل از ترک محل اقامت قبلی، بیکار بوده و برای جستجوی کار به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند و همچنین افرادی که قبل از ترک محل اقامت قبلی بیکار بوده و برای اشتغال به کار مشخص، به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده در جستجوی کار به حساب آمده‌اند.

**جستجوی کار بهتر:** افرادی که قبل از ترک محل اقامت قبلی، دارای کار بوده‌اند و به منظور جستجوی کار بهتر به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند و همچنین افرادی که قبل از ترک محل اقامت قبلی دارای کار بوده و برای انتقال به کار مشخص بهتر به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند. در جستجوی کار بهتر به حساب آمده‌اند.

**انتقال شغلی:** افرادی که به علت انتقال شغلی در مشاغل مزد و حقوق‌بگیری محل اقامت قبلی خود را تغییر داده‌اند و به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

**تحصیل:** افرادی که محل اقامت قبلی خود را به منظور تحصیل در شهر یا آبادی محل سرشماری تغییر داده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

**پایان تحصیل:** افرادی که به علت پایان تحصیل، محل اقامت قبلی خود را تغییر داده و به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

**انجام خدمت وظیفه:** افرادی که به منظور انجام خدمت وظیفه در شهر یا آبادی محل سرشماری، محل اقامت خود را تغییر داده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

**پایان خدمت وظیفه:** افرادی که به علت پایان خدمت وظیفه، محل اقامت قبلی خود را تغییر داده‌اند و به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

**پیروی از خانوار:** افرادی که به پیروی از سایر اعضای خانوار محل اقامت خود را تغییر داده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

**سایر:** تغییر محل اقامت به علتی غیر از موارد مذکور، مانند شرایط آب و هوایی، استفاده از امکانات بهتر و زندانی شدن و... در این گروه قرار می‌گیرد.

**در حال تحصیل**

کسی در حال تحصیل تلقی می‌شود که طبق برنامه‌های "رسمی" آموزشی کشور جمهوری اسلامی ایران مشغول به تحصیل باشد. افرادی که در خارج از کشور به تحصیل اشتغال دارند و همچنین طلاب حوزه‌های علمیه و سوادآموزان نهضت سوادآموزی نیز در حال تحصیل محسوب می‌شوند.

**باسواد**

کسانی که می‌توانند به فارسی یا هر زبان دیگری متن ساده‌ای را بخوانند و بنویسند خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند، باسواد تلقی می‌شوند.

همه محصلان از جمله نوآموزان سال اول ابتدایی و سوادآموزان نهضت سوادآموزی نیز باسواد به حساب می‌آیند.

**پایه، دوره یا مدرک تحصیلی**

پایه، دوره یا مدرک تحصیلی برای افراد در حال تحصیل و افراد غیر محصل براساس سطوح، چارچوب‌ها و توصیه‌های طبقه‌بندی بین‌المللی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی (ISCED-۹۷)<sup>(۱)</sup> و انطباق آن با نظام آموزشی کشور در گذشته و حال تنظیم شده است. مشروح مصادیق سطوح و دوره‌های تحصیلی در نشریه "طبقه‌بندی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی ایران بر اساس (ISCED-۹۷)" موجود است.

**گروه عمده رشته تحصیلی**

با بررسی رشته‌های تحصیلی موجود در نظام آموزشی کشور و انطباق آن‌ها با طبقه‌بندی بین‌المللی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی (ISCED-۹۷) به ۱۰ گروه بزرگ تقسیم شده است. هر یک از این گروه‌ها که در فهرست مزبور با یک عدد (کد) یک رقمی مشخص شده است گروه عمده رشته تحصیلی نامیده می‌شود.

**کار**

کار، آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری یا بدنی) است که به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیر نقدی) انجام شود و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد.

فعالیت افراد زیر نیز به عنوان مصادیق کار محسوب می‌شود:

- افرادی که بدون دریافت مزد در کسب و کار یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند کار می‌کنند (کارکنان فامیلی بدون مزد).

- افرادی که در حال انجام خدمت وظیفه هستند.

- افرادی که خدمت در بسیج و مؤسسات خیریه شغل آنان محسوب شده و از این بابت مزد و حقوق دریافت می‌کنند.

- افرادی که به منظور کسب درآمد یا سود در محل سکونت کارهای خدماتی یا تولیدی نظیر قالی‌بافی، خیاطی، آرایشگری، تایپ، تدریس خصوصی، تعمیر وسایل برقی، نگهداری از کودک یا فرد سالخورده و... انجام می‌دهند.

- افرادی که برای تولید کالاهای با دوام به فعالیت‌هایی نظیر قالی‌بافی، گلیم‌بافی، حصیربافی، خیاطی و... برای مصرف خود یا خانوار خود مشغول هستند.

- افرادی که در حال ساختن، بازسازی یا تعمیر اساسی منزل خود هستند.

- افرادی که به عنوان کارآموز، کاری در ارتباط با فعالیت محل کارآموزی انجام می‌دهند، یعنی به طور مستقیم در تولید کالا یا خدمت سهیم هستند، اعم از آن که مزد یا حقوق دریافت کنند یا نه.

**وضع فعالیت**

در این سرشماری، وضع فعالیت افراد در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری مورد نظر بوده است. هر یک از افراد از این نظر و با توجه به تعریف کار، در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند.

- شاغل:** فردی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار کرده، هرچند در شغل معمولی خود کار نکرده باشد، شاغل محسوب می‌شود. علاوه بر این، افراد دارای شرایط زیر نیز شاغل به حساب می‌آیند:
- افرادی که دارای شغلی هستند ولی در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند.
  - افرادی که در فعالیتهای کشاورزی برای خود کار می‌کنند و به دلیل فصلی بودن کارشان در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری کار نکرده‌اند.
  - افرادی که به دلیل نوبتی بودن کارشان در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری سرکار خود نرفته‌اند.
  - افرادی که از سازمان محل کار خود بورسیه تحصیلی گرفته‌اند و مشغول به تحصیل هستند و به این دلیل در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری کار نکرده‌اند.
  - افرادی که به دلیل مرخصی، تعطیلات، بیماری و مسافرت و... در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری سرکار خود نرفته‌اند.
  - افرادی که به دلایلی نظیر تغییرات موقت سازمانی یا خرابی دستگاه‌ها و ماشین‌آلات، نداشتن مشتری یا سفارش کار به طور موقت سرکار خود نرفته‌اند.
  - افرادی که از کار خود معلق شده‌اند ولی پیوند رسمی شغلی دارند.

**بیکار:** افرادی که در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند و دارای شغلی نیز نبوده‌اند در صورت داشتن دو شرط زیر بیکار محسوب می‌شوند.

۱- در ۳۰ روز گذشته برای جستجوی کار، اقدامات مشخصی را نظیر ثبت نام یا پیگیری در مؤسسات کاریابی، پرس و جو از دوستان، تماس با کارفرمایان، مطالعه آگهی‌های استخدامی و... انجام داده باشند.

۲- آماده به کار باشند، یعنی طی یک دوره ۱۵ روزه شامل ۷ روز گذشته و ۷ روز آینده آمادگی شروع کار را داشته باشند. همچنین افراد دارای شرایط زیر بیکار محسوب شده‌اند:

- افرادی که در انتظار شروع کار جدید هستند، یعنی برای آنان کاری مهیا شده و قرار است در آینده به آن کار مشغول شوند و نیز آماده به کار (طبق تعریف) هستند.

- افرادی که در انتظار بازگشت به شغل قبلی و نیز آماده به کار (طبق تعریف) هستند. منظور از "در انتظار بازگشت به شغل قبلی" این است که فرد قبلاً دارای کار بوده و به دلایلی کار خود را از دست داده و پیوند رسمی شغلی ندارد ولی در انتظار بازگشت به شغل خود بسر می‌برد.

**محصل:** افرادی که شاغل یا بیکار نباشند و طبق برنامه‌های آموزش رسمی کشور در حال تحصیل بوده یا در خارج از کشور مشغول به تحصیل باشند محصل محسوب می‌شوند.

**دارای درآمد بدون کار:** کسانی که شاغل، بیکار و محصل محسوب نمی‌شوند و دارای درآمد حاصل از بازنشستگی، املاک و مستغلات، سود سهام، سپرده‌ها و... هستند، دارای درآمد بدون کار محسوب می‌شوند.

**خانه‌دار:** خانه‌دار به کسانی گفته می‌شود که شاغل، بیکار، محصل و دارای درآمد بدون کار به حساب نمی‌آیند و مشغول انجام وظایف خانه‌داری هستند.

**سایر:** کسانی که در هیچ‌یک از گروه‌های بالا قابل طبقه‌بندی نیستند، در گروه سایر قرار می‌گیرند.

## شغل

نوع کاری است (مطابق با تعریف کار و مصادیق آن) که توسط فرد در طول ۷ روز گذشته انجام شده است. در مورد افرادی که دارای شغل بوده ولی در ۷ روز گذشته به دلایل مختلف کار نکرده‌اند، شغل نوع کاری است که توسط فرد در زمان اشتغال به کار انجام می‌شود.

### گروه عمده شغلی

با بررسی مشاغل موجود در کشور و انطباق آن‌ها با طبقه‌بندی بین‌المللی مشاغل (ISCO-۸۸)<sup>(۱)</sup>، تمامی مشاغل به ۱۰ گروه بزرگ تقسیم شده است. هر یک از این گروه‌ها که در فهرست مربوط با یک عدد (کد) یک رقمی مشخص شده است، گروه عمده شغلی نامیده می‌شود.

### گروه عمده فعالیت

تمامی فعالیت‌های اقتصادی موجود در کشور با توجه به طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC, REV۳,۱)<sup>(۲)</sup> در ۱۸ گروه بزرگ طبقه‌بندی شده است. هر یک از این گروه‌ها که در فهرست مربوط با یک حرف مشخص شده است، "گروه عمده فعالیت" به حساب می‌آید.

### وضع شغلی

افراد شاغل از نظر وضع شغلی در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند:

**کارفرما:** کسانی که برای انجام فعالیت‌های شغلی خود حداقل یک نفر مزد و حقوق‌بگیر در استخدام داشته باشند، کارفرما محسوب می‌شوند. کسانی که در انجام فعالیت‌های شغلی خود، فقط از کارکنان فامیلی بدون مزد استفاده می‌کنند و نیز افرادی که خود مزد و حقوق‌بگیر هستند، هر چند که یک یا چند نفر دیگر زیر نظر آنان به کار اشتغال داشته باشند، کارفرما شناخته نمی‌شوند.

**کارکن مستقل:** کسانی که برای انجام فعالیت‌های شغلی خود مزد و حقوق‌بگیری در استخدام نداشته باشند و خود نیز مزد و حقوق نمی‌گیرند، کارکن مستقل به حساب می‌آیند.

**مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی:** کسانی که در وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و همچنین دیگر مؤسسات عمومی مانند شهرداری‌ها کار می‌کنند و در مقابل کاری که انجام می‌دهند مزد و حقوق (نقدی، غیر نقدی) دریافت می‌دارند، مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی تلقی می‌شوند.

**مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی:** کسانی که با دریافت مزد و حقوق (نقدی، غیر نقدی) برای افراد یا مؤسسات خصوصی کار می‌کنند و همچنین مزد و حقوق‌بگیران بخش تعاونی، مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی شناخته می‌شوند.

**کارکن فامیلی بدون مزد:** کسی که در کسب و کاری از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی نیز دارد، کار می‌کند و از این بابت مزد و حقوق دریافت نمی‌کند، کارکن فامیلی بدون مزد به حساب می‌آید.

### محل کار یا تحصیل

جمعیت شاغل یا محصل ۱۰ ساله و بیش‌تر و ساکن، از نظر وضعیت "محل کار یا تحصیل" نسبت به "محل اقامت" در یکی از دو گروه زیر قرار می‌گیرند.

**همین شهر یا آبادی:** افرادی که محل کار یا تحصیل آنان در شهر یا آبادی محل اقامت (محل سرشماری) است.

**جای دیگر، شهر یا آبادی:** افرادی که محل کار یا تحصیل آن‌ها در نقطه دیگر غیر از شهر یا آبادی محل اقامت (محل سرشماری) است.

### وضع زناشویی

**دارای همسر:** زنان یا مردانی که عقد ازدواج بسته‌اند، اعم از اینکه در هنگام سرشماری با همسر خود زندگی مشترک داشته یا نداشته باشند دارای همسر محسوب می‌شوند.

**بی‌همسر بر اثر فوت همسر:** زنان یا مردانی که همسرشان فوت کرده است و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند بی‌همسر بر اثر فوت همسر شناخته می‌شوند.

**بی‌همسر بر اثر طلاق:** زنان یا مردانی که از همسر خود بر اثر طلاق جدا شده و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی‌همسر بر اثر طلاق تلقی می‌شوند.

**هرگز ازدواج نکرده:** زنان یا مردانی که تا زمان سرشماری همسراختیار نکرده‌اند، هرگز ازدواج نکرده شناخته می‌شوند. زنان یا مردانی که نامزد شده ولی هنوز عقد نکرده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

### معلولیت

در این سرشماری فقط برخی از انواع خاص معلولیت که تعاریف آن در زیر می‌آید بررسی شده‌اند:

**نابینا:** نابینا به کسی اطلاق می‌شود که به‌طور کلی دید هر دو چشم خود را از دست داده است، به طوری که حتی با استفاده از وسایل کمکی مانند عینک قادر به دیدن نمی‌باشد، یا اینکه دید وی به حدی است که فقط می‌تواند وجود نور را در محیط درک کند ولی قادر به تشخیص حرکت اجسام در فاصله بیش از یک متری خود نیست.

**ناشنوا:** ناشنوا کسی است که حتی با استفاده از وسایل کمک شنوایی نظیر سمعک قادر به شنیدن صدا نمی‌باشد در واقع فرد ناشنوا در برابر صدای بسیار بلند مانند فریاد هم واکنشی نشان نمی‌دهد.

**اختلال در گفتار و صدا:** منظور از اختلال در گفتار و صدا هر نوع ناتوانی در صحبت کردن یا ناتوانی در تولید صدا به وسیله حنجره به شکل طبیعی و معمول می‌باشد.

مصادیق اختلال در گفتار و صدا به شرح زیر است:

- افرادی که به کلی قادر به صحبت کردن نیستند (افراد لال).

- افرادی که گفتار آن‌ها منقطع و نامنظم است (افراد دچار لکنت زبان).

- افرادی که به دلیل نقص حنجره، بیماری یا هر دلیل دیگر قادر به تولید صدای طبیعی از حنجره نیستند یا صدای آن‌ها هنگام صحبت کردن قطع و وصل می‌شود یا صدای آن‌ها نسبت به صدای معمولی کاملاً متفاوت است مثل مردانی که به دلیل جراحی حنجره صدای آن‌ها نازک شده است.

- افرادی که به دلیل مشکلات ذهنی تکلم آن‌ها سلیس و روان نیست.

**قطع دست:** فقدان انگشت شست یا چهار انگشت دیگر با هم یا قطع دست در هر نقطه از شانه به پایین در هریک از دو دست قطع دست محسوب می‌شود.

**نقص دست:** منظور از نقص دست، عدم کارایی یا تغییر شکل دست، ساعد، آرنج، بازو یا شانه در هریک از دو دست می‌باشد. فلج دست و فقدان انگشت اشاره و هر نوع شکل غیر طبیعی دست (مانند لاغری یا کوتاهی دست نسبت به وضعیت طبیعی و...) از مصادیق نقص دست هستند.

**قطع پا:** منظور از قطع پا، فقدان پنجه، ساق، زانو و ران در هریک از دو پا می‌باشد به عبارت دیگر هر نوع قطع پا از لگن به پایین در هر نقطه و در هریک از دو پا، قطع پا محسوب می‌شود.

**نقص پا:** منظور از نقص پا، عدم کارایی یا تغییر شکل پنجه پا، ساق پا، زانو، ران یا لگن در هریک از دو پا می‌باشد. فلج پا یا هر نوع شکل غیر طبیعی پا مانند لاغری، کوتاهی و یا عدم تعادل در راه رفتن (لنگیدن) از مصادیق نقص پا می‌باشد.

**نقص تنه:** منظور از تنه قسمتی از بدن شامل گردن، پشت و کمر می‌باشد و منظور از نقص تنه، هر نوع تغییر شکل یا عدم کارایی در ساختار اسکلتی و عضلانی تنه می‌باشد. مصادیق نقص تنه عبارتند از: فلج تنه، هر نوع تغییر شکل یا عدم کارایی ستون مهره‌ها مانند انحراف ستون مهره‌ها به طرفین یا به جلو (قوزی) و افتادگی تنه (ناتوانی در راست نگه داشتن تنه).

**اختلال ذهنی:** فرد دارای اختلال ذهنی به فردی گفته می‌شود که بهره هوشی او کمتر از حد طبیعی است، به نحوی که دچار کم‌توانی و عقب‌ماندگی ذهنی باشد.

**هیچ‌کدام:** افرادی که هیچ یک از موارد نه گانه معلولیت مذکور در فوق را ندارند در این طبقه قرار می‌گیرند. این افراد ممکن است کاملاً سالم و یا دچار انواع دیگری از معلولیت‌ها و بیماری‌ها باشند که در این سرشماری مورد بررسی قرار نگرفته است.

**اظهار نشده:** این طبقه شامل افرادی است که به دلیل نقص اطلاعات موجود، امکان انتساب قطعی آنان به جمعیت معلول یا غیر معلول وجود ندارد. در هر حال این گروه نباید جزء جمعیت معلول منظور شوند.

### خودروی سبک

منظور از خودروی سبک، سواری وانت (یک یا دو کابینه) و... بوده و شامل اتوبوس و مینی بوس نمی‌باشد.

### استفاده از شبکه اینترنت

منظور حداقل یکبار در ماه استفاده از شبکه اینترنت در محل سکونت خانوار می‌باشد.

### چاه، چشمه، قنات و آب انبار بهسازی شده

منظور از بهسازی اقداماتی است که به منظور حفظ یا بهبود کیفیت آب هر یک از منابع یاد شده صورت می‌گیرد مانند تعمیر و بازسازی فضای داخلی و خارجی چاه یا قنات، پاکسازی نهرهای متصل به آن و اقدامات مختلف برای جلوگیری از ورود آلودگی به این منابع یا تصفیه آب آن‌ها.

### واحد مسکونی

مکانی است که در زمان سرشماری یک یا چند خانوار در آن سکونت دارد. منظور از مکان، فضا یا محوطه‌ای محصور است که یک یا چند ورودی مستقل به معبر عمومی (کوچه، خیابان، بازار، میدان و...) یا معبر اختصاصی (راهروی مشترک، راه پله مشترک و...) داشته باشد.

### نوع محل سکونت خانوار

**واحد مسکونی معمولی:** آن دسته از مکان‌های مسکونی که از مصالح سخت (آجر، سیمان، سنگ، چوب، خشت و...) به منظور سکونت ساخته شده است، واحد مسکونی معمولی به حساب می‌آید.

**چادر:** منظور از چادر، آن دسته از واحدهای مسکونی است که از پارچه پشمی، نخی یا مویی، نایلون، برزنت و غیره ساخته و به کمک تیرک‌های چوبی یا فلزی و طناب برپا می‌شود.

**کپر:** مکان‌های سکونتی که از حصیر و گاهی همراه با گل یا خشت ساخته شده است، کپر نامیده می‌شود.

**آلونک، زاغه و مشابه:** خانه‌هایی که در شهرها و یا اطراف شهرها از سرهم‌بندی مصالحی نظیر حلبی، نایلون، برزنت و... ساخته شده است، آلونک محسوب می‌شود.

محل‌هایی که در دیواره گودها یا تپه‌ها کنده شده و در ساختمان آن‌ها مصالح زیادی به کار نرفته است زاغه نامیده می‌شود. محل‌هایی مانند غار، تنه درخت و... در صورتی که مورد استفاده خانوار برای سکونت باشد در این گروه قرار می‌گیرد.

**سایر:** آن دسته از واحدهای مسکونی که با هیچ یک از انواع فوق مطابقت ندارد در این گروه قرار می‌گیرد.

### اتاق

در واحدهای مسکونی معمولی، منظور از اتاق فضای محصور مسقفی است که حداقل ۴ مترمربع، مساحت و ۲ متر ارتفاع داشته باشد. فضاهایی مانند گاراژ، حمام، توالت، آب انبار، طویله و کاهدانی، اتاق به شمار نمی‌آید.

### نحوه تصرف محل سکونت خانوار

در این سرشماری، اطلاع مربوط به نحوه تصرف محل سکونت خانوار، در قالب طبقه‌بندی زیر گردآوری شده است:

**ملکی عرصه و اعیان (زمین و بنا):** این نوع نحوه تصرف مربوط به خانوارهایی است که مالک زمین (عرصه) و بنای (اعیان) واحد مسکونی خود هستند.



**ملکی اعیان (بنا):** چنانچه خانواری مالک بنای محل سکونت خود باشد ولی صاحب زمین آن نباشد، نحوه تصرف، ملکی اعیان به حساب می‌آید.

**اجاره‌ای:** خانوارهایی که محل سکونت خود را اجاره، رهن یا اجاره همراه با پرداخت ودیعه کرده‌اند اعم از اینکه به صورت نقدی و یا غیر نقدی می‌پردازند، نحوه تصرف آن‌ها اجاره‌ای منظور می‌شود.

**در برابر خدمت:** این گونه نحوه تصرف، مربوط به خانوارهایی است که محل سکونت خود را در مقابل کار یک یا چند نفر از اعضای خانوار تصرف کرده‌اند، حتی اگر مبلغی هم به‌طور ماهانه بپردازند.

**رایگان:** خانواری که محل سکونت خود را به طور رایگان در اختیار دارد و در ازای استفاده از آن، چیزی (نقدی یا غیر نقدی) نمی‌پردازد، در این گروه طبقه‌بندی می‌شود.

**سایر:** نحوه تصرف محل سکونت خانواری که با هیچ‌یک از موارد پنجگانه فوق قابل انطباق نیست، در این گروه قرار می‌گیرد.

### مساحت زیربنای واحد مسکونی

منظور از مساحت زیربنای واحد مسکونی، مجموع سطوح ساخته شده مسقف در بنای واحد مسکونی از قبیل اتاق، آشپزخانه، حمام، توالی، انباری، صندوق خانه، پستو و... است.

در واحدهای مسکونی آپارتمانی منظور از مساحت زیربنا، مساحت زیربنای خالص آپارتمان بدون در نظر گرفتن مشاعات (پارکینگ، پیلوت، راهرو یا راه پله مشترک و...) در این گونه واحدها فضاهای مستقل مربوط به آپارتمان، حتی اگر بیرون آن واقع باشد، مانند انباری، در مساحت زیربنا منظور می‌شود.

در واحدهای مسکونی غیر آپارتمانی، مساحت تمام سطوح ساخته شده شامل راهروها، راه پله، خرپشته و... در محاسبه مساحت زیربنا منظور می‌شود.

در مناطق روستایی، فضاهایی که در محل سکونت خانوار به منظور فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی یا نگهداری و پرورش دام و طیور پیش‌بینی شده است، مانند انبار وسایل کشاورزی، طویله، کاهدانی و... در مساحت زیربنای واحد مسکونی منظور نمی‌شود.

### اسکلت

منظور از اسکلت بنای واحد مسکونی، مجموعه متصل نگهدارنده (پایه‌ها یا ستون‌ها و تیرها و...) بنای واحد مسکونی است. واحدهای مسکونی از نظر نوع اسکلت در یکی از سه گروه زیر قرار می‌گیرند:

**اسکلت فلزی:** این نوع اسکلت با تیر آهن بر پا شده است. در این شیوه ساخت تیر آهن‌های به کار رفته به یکدیگر متصل شده و اسکلتی یکپارچه را تشکیل داده است که بار بنا را تحمل می‌کند.

**بتون آرمه:** در این روش ساخت اسکلت بنا از بتون آرمه (بتون همراه با آرماتور و میلگرد) ساخته شده است.

**سایر:** واحدهای مسکونی که اسکلت آن‌ها با هیچ یک از دو مورد فوق مطابقت ندارند در این گروه قرار می‌گیرند.

### مصالح عمده بنای واحدهای مسکونی

آن دسته از واحدهای مسکونی که از نظر نوع اسکلت در گروه سایر قرار گرفته‌اند از نظر نوع مصالح عمده به کار رفته در دیوارها و سقف (بجز روکار ساختمان) در گروه‌های زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

### آجر و آهن یا سنگ و آهن

در بناهایی که با آجر و آهن یا سنگ و آهن ساخته شده است، سقف از تیر آهن و آجر و دیوارها از آجر یا سنگ است و دیوارها (به جای ستون‌های آهنی در بناهای دارای اسکلت فلزی) بار ساختمان را تحمل می‌کند.

**آجر و چوب یا سنگ و چوب**

در بناهایی که با آجر و چوب یا سنگ و چوب ساخته شده است، سقف از تیرچوبی و تخته و آجر و دیوارهای باربر از آجر یا سنگ است که در نتیجه از محل اتصال تیرها با دیوارها سنگینی سقف به دیوارها منتقل می‌شود و دیوارها بار بنا را تحمل می‌کنند.

**بلوک سیمانی (با هر نوع سقف)**

در این نوع بناها در دیوارها از بلوک سیمانی استفاده شده است. در سقف این نوع بناها از تیرچه و بلوک یا از چوب استفاده می‌شود.

**تمام آجر یا سنگ و آجر**

در دیوار و سقف این بناها به طور عمده از آجر، یا سنگ و آجر به صورت توأم استفاده می‌شود. شیوه ساخت سقف به صورتی است که عدم استفاده از تیر آهن یا چوب را امکان‌پذیر می‌سازد مانند سقف گنبدی.

**تمام چوب**

در این نوع بناها که بیش‌تر در مناطق با آب و هوای مرطوب رایج است به طور عمده چوب در اشکال مختلف، مصالح عمده به کار رفته در ساخت بنا را تشکیل می‌دهد.

**خشت و چوب**

مهم‌ترین مصالح ساختمانی به کار رفته در بناهایی که با خشت و چوب ساخته شده‌اند، خشت است. در این بناها، در سقف از خشت و چوب و دیوارها از خشت یا خشت و چوب به صورت توأم استفاده می‌شود.

**خشت و گل**

بناهای خشت و گلی، به طور عمده با خشت ساخته شده‌اند و گل به عنوان ملات و نگاهدارنده خشت‌ها بر روی هم در آن به کار رفته است.

**محل دفع فاضلاب واحد مسکونی****شبکه عمومی فاضلاب**

آن دسته از واحدهای مسکونی که فاضلاب آن‌ها متصل به شبکه عمومی فاضلاب شهر یا آبادی است و از طریق آن دفع می‌شود، در این گروه قرار می‌گیرند.

**شبکه اختصاصی**

منظور شبکه فاضلاب اختصاصی شهرک، مجتمع و نظایر آن است. این نوع شبکه‌ها که ممکن است دارای تصفیه‌خانه نیز باشند، توسط سازندگان شهرک، مجتمع و... ایجاد شده و به طور معمول زیر نظر شرکت‌های آب و فاضلاب نمی‌باشند.

**چاه جذبی**

چاه‌هایی است که معمولاً در هنگام احداث ساختمان به منظور دفع فاضلاب حفر می‌شود.

**مخزن ویژه فاضلاب (سپتیک تانک)**

در تعدادی از واحدهای مسکونی نقاط شهری که به طور معمول در مجموعه‌های بلند مرتبه و برج‌ها قرار دارند، فاضلاب از طریق ورود به مخزن ویژه‌ای که در ساختمان به همین منظور تعبیه شده و به سپتیک تانک معروف است، دفع می‌شود. این نوع مخازن به صورت زهکش‌دار یا بدون زهکش در ساختمان پیش‌بینی می‌شوند و قابل تخلیه هستند.

**محیط اطراف**

مواردی است که فاضلاب از واحد مسکونی در سطح کوچه، خیابان، مسیل، نهرهای خیابان، رودخانه، اراضی و مزارع و... به محیط اطراف وارد می‌شود.

**سایر**

شامل مواردی است که در آن‌ها شیوه دفع فاضلاب با هیچ یک از موارد فوق انطباق ندارد.

مرکز آمار ایران

## شاخص‌های به‌کار رفته در این نشریه

## نسبت جنسی

نسبت جنسی عبارت است از نسبت تعداد مردان به زنان یا زنان به مردان که معمولاً به صورت درصد بیان می‌شود. در این نشریه، نسبت تعداد مردان به زنان ارائه شده است.

$$\text{نسبت جنسی} = \frac{M}{F} \times 100$$

که در آن،  $M$  تعداد مردان و  $F$  تعداد زنان است.

## میانگین سنی

میانگین سنی، متوسط سن افراد یک جامعه است و از تقسیم کردن مجموع حاصل ضرب‌های هر یک از سنین منفرد در فراوانی افراد در آن سن، به کل جمعیت حاصل می‌شود.

یعنی:

$$\text{میانگین سنی} = \frac{\sum_{i=1}^{\omega} i.F_i}{\sum_{i=1}^{\omega} F_i}$$

که در آن ... و ۳ و ۲ و ۱ و ۰ عبارت از سنین منفرد و  $F_i$  تعداد افراد در سن  $(i)$  است.

## میانه سنی

سنی که جمعیت را از نظر تعداد به دو گروه مساوی تقسیم کند، میانه سنی نامیده می‌شود.

$$Md = L_i + \left( \frac{\frac{N}{2} - FC_{i-1}}{F_i} \right) \times C$$

که در آن:

$Md$  میانه،  $L_i$  کرانه پایین گروه میانه‌دار،  $FC_{i-1}$  فراوانی تجمعی گروه ماقبل طبقه میانه‌دار،  $F_i$  فراوانی مطلق طبقه میانه‌دار،  $N$  تعداد کل جمعیت و  $C$  فاصله طبقات است.

**متوسط رشد سالانه جمعیت در یک دوره**

عبارت است از نسبت تغییرات سالانه یک جمعیت به کل جمعیت که به صورت درصد بیان می‌شود. متوسط رشد سالانه جمعیت در طول یک دوره از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$r = \sqrt[n]{\frac{P_n}{P_0}} - 1$$

در این فرمول:

r: متوسط رشد سالانه جمعیت

$P_n$ : جمعیت در انتهای دوره

$P_0$ : جمعیت در ابتدای دوره

n: طول دوره بر حسب سال

**متوسط بعد خانوار**

عبارت است از متوسط تعداد اعضای خانوار و از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{متوسط بعد خانوار} = \frac{\text{جمعیت}}{\text{تعداد خانوار}}$$

**تراکم جمعیت**

عبارت است از متوسط تعداد افراد جمعیت در یک کیلومترمربع از منطقه مورد نظر.

$$\text{تراکم جمعیت} = \frac{\text{جمعیت}}{\text{مساحت (کیلومترمربع)}}$$

**نسبت باسوادی**

عبارت است از نسبت تعداد افراد باسواد به جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر.

$$\text{نسبت باسوادی} = \frac{\text{جمعیت باسواد}}{\text{جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر}} \times 100$$

این نسبت در هر سن یا گروه از تقسیم تعداد افراد باسواد به کل جمعیت (۶ ساله و بیش‌تر) در آن سن یا گروه سنی به دست آمده و به صورت درصد بیان می‌شود.

**میزان فعالیت**

عبارت است از نسبت تعداد جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به جمعیت ده ساله و بیش تر.

$$\text{میزان فعالیت} = \frac{\text{جمعیت فعال (شاغل و بیکار)}}{\text{جمعیت ده ساله و بیش تر}} \times 100$$

این میزان در هر سن یا گروه از تقسیم جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به کل جمعیت (۱۰ ساله و بیش تر) در آن سن یا گروه به دست آمده و به صورت درصد بیان می شود.

**میزان بیکاری**

عبارت است از نسبت تعداد جمعیت بیکار به جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیش تر.

$$\text{میزان بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

این میزان در هر سن یا گروه از تقسیم تعداد جمعیت بیکار به جمعیت فعال (۱۰ ساله و بیش تر) در آن سن یا گروه به دست آمده و به صورت درصد بیان می شود.

مرکز آمار ایران

## طرح نمونه‌گیری

### ۱- واحد نمونه‌گیری

خانوارهای معمولی ساکن و گروهی در نقاط شهری یا روستایی شهرستان‌های کشور است. خانوارهای معمولی غیر ساکن و موسسه‌ای از شمول این طرح مستثنی هستند.

### ۲- چارچوب نمونه‌گیری

چارچوب نمونه‌گیری، فهرست خانوارهای معمولی ساکن و گروهی است که از فرم فهرست‌برداری حین اجرای سرشماری به‌دست می‌آید.

### ۳- روش نمونه‌گیری

در این طرح از روش نمونه‌گیری سیستماتیک خطی استفاده می‌شود.

### ۴- روش تعیین اندازه نمونه

به منظور تعیین تعداد خانوارهای نمونه لازم برای برآورد مجموع ویژگی مورد نظر برای نقاط شهری یا نقاط روستایی در هر شهرستان (کوچک‌ترین سطح برآورد) از روابط زیر استفاده می‌شود:

$$n = \frac{n_1}{1 + \frac{n_1 - 1}{N}}, \quad n_1 = \frac{z_{0.975}^2 (1 - p)}{r^2 p}$$

که در آن:

$P$ : نسبت ویژگی مورد نظر در نقاط شهری یا نقاط روستایی شهرستان (حداقل برابر ۰/۰۵)

$T$ : خطای نسبی ویژگی مورد نظر در نقاط شهری یا نقاط روستایی شهرستان

$z_{0.975}$ : چندک ۰/۹۷۵ توزیع نرمال استاندارد

$N$ : تعداد خانوارهای معمولی ساکن و گروهی در نقاط شهری یا روستایی شهرستان

$n$ : اندازه نمونه در نقاط شهری یا نقاط روستایی شهرستان

اندازه نمونه در هر نقطه شهری یا روستایی شهرستان با هدف برآورد ویژگی‌هایی که نسبت آن‌ها در جامعه ۰/۰۵ یا بیش‌تر باشد، به‌دست آمده است. حداقل خطای نسبی در نواحی وزن‌دهی برابر با ۰/۱۵ و حداکثر برابر ۰/۰۹ است. به‌طور تقریبی می‌توان گفت که ۱۰٪ از خانوارهای کل کشور در نمونه انتخاب شده‌اند.

### ۵- روش برآورد و وزن‌دهی

برآورد تعداد برای ویژگی‌های مورد نظر از جمع وزن‌های منتسب به واحدهای آماری مربوط به آن به‌دست می‌آید. فرایند وزن‌دهی در دو مرحله انجام می‌شود. مرحله اول، انتساب وزن‌های پایه (عکس احتمال‌های انتخاب) به واحدهای نمونه است. در مرحله دوم وزن‌های نهایی با استفاده

از تعدیل وزن‌های پایه برای ایجاد سازگاری بین جدول‌های سرشماری حاصل از شمارش کامل و برآورد، با استفاده از روش چنگک‌زنی<sup>(۱)</sup> انجام می‌شود. برای مطالعه جزئیات بیشتر در رابطه با روش برآورد و وزن‌دهی، به گزارش فنی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، بخش برآورد و وزن‌دهی مراجعه کنید.

#### ۶- خطای نمونه‌گیری

از آنجایی که برخی از جدول‌های سرشماری از برآورد اطلاعات نمونه‌ای از خانوارها به دست آمده‌اند، دارای خطای نمونه‌گیری هستند. برای برآورد خطای نمونه‌گیری از روش‌های گروه‌های تصادفی<sup>(۲)</sup> و تابع تعمیم واریانس<sup>(۳)</sup> استفاده شده است. ملاک اندازه خطای نمونه‌گیری، خطای استاندارد است که نحوه به‌دست آوردن آن برای هر خانه از جدول در وبگاه مرکز آمار ایران آمده است. برای مطالعه جزئیات بیشتر در رابطه با روش محاسبه خطای نمونه‌گیری به گزارش فنی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، بخش خطای نمونه‌گیری مراجعه کنید.

مرکز آمار ایران

(۱) Raking

(۲) Random groups

(۳) Generalized variance function (GVF)



## گزیده یافته‌ها

● براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیت استان اردبیل ۱۲۲۸۱۵۵ نفر بوده است. با توجه به جمعیت ۱۱۶۸۰۱۱ نفری سال ۱۳۷۵، طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ سالانه به طور متوسط حدود ۶۰۱۴ نفر به جمعیت استان افزوده شده که متوسط رشد سالانه آن برابر با ۰/۵۰ درصد می‌باشد. این میزان رشد در مقایسه با متوسط رشد سالانه جمعیت استان که در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ برابر با ۱/۲۰ درصد بوده است در حدود ۰/۷ درصد کاهش یافته است.

## ۱- جمعیت استان اردبیل و متوسط رشد سالانه آن طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵

متوسط رشد سالانه		جمعیت	سال
درصد	دوره		
۱/۲۰	۱۳۶۵-۷۵	۱۰۳۶۲۰۲	..... ۱۳۶۵
		۱۱۶۸۰۱۱	..... ۱۳۷۵
۰/۵۰	۱۳۷۵-۸۵	۱۲۲۸۱۵۵	..... ۱۳۸۵

● با توجه به جمعیت شهری استان در سال ۱۳۸۵، میزان شهرنشینی در این سال برابر با ۵۸/۲۷ درصد به دست می‌آید. مقایسه میزان شهرنشینی در این سال با سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۶۵ یک روند افزایشی را نشان می‌دهد که یک روند طبیعی در جامعه ما طی نیم قرن اخیر بوده است. این میزان برای سال ۱۳۷۵ برابر با ۴۸/۶۷ درصد می‌باشد.

## ۲- جمعیت نقاط شهری استان اردبیل و متوسط رشد سالانه آن طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵

متوسط رشد سالانه		جمعیت	سال
درصد	دوره		
۳/۲۶	۱۳۶۵-۷۵	۴۱۲۶۲۰	..... ۱۳۶۵
		۵۶۸۴۴۸	..... ۱۳۷۵
۲/۳۳	۱۳۷۵-۸۵	۷۱۵۵۹۷	..... ۱۳۸۵

گرایش به شهرنشینی و تمرکز جمعیت در شهرها منجر به تغییراتی در رشد جمعیت مناطق شهری و روستایی شده است به طوری که رشد سالانه جمعیت در مناطق شهری استان اردبیل در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ برابر با ۲/۳۳ درصد و در مناطق روستایی ۱/۵۶- درصد بوده است.

## ۳- جمعیت نقاط روستایی استان اردبیل و متوسط رشد سالانه آن طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵

سال	جمعیت	متوسط رشد سالانه	
		دوره	درصد
۱۳۶۵	۶۲۳۵۸۲	۱۳۶۵-۷۵	-۰/۳۹
۱۳۷۵	۵۹۹۵۶۳		
۱۳۸۵ <sup>(۱)</sup>	۵۱۲۵۵۸	۱۳۷۵-۸۵	-۱/۵۶

(۱) جمعیت غیر ساکن در روستایی منظور شده است.

از جمعیت ۱۲۲۸۱۵۵ نفری استان اردبیل ۵۸/۲۷ درصد در نقاط شهری و ۴۱/۷۰ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده‌اند.

## ۴- جمعیت استان اردبیل بر حسب جنس به تفکیک وضع سکونت- ۱۳۸۵

جنس	جمع	ساکن		غیر ساکن
		نقاط شهری	نقاط روستایی	
مرد و زن	۱۲۲۸۱۵۵	۷۱۵۵۹۷	۵۱۲۱۹۵	۳۶۳
مرد	۶۱۷۳۴۲	۳۶۱۳۵۱	۲۵۵۸۰۱	۱۹۰
زن	۶۱۰۸۱۳	۳۵۴۲۴۶	۲۵۶۳۹۴	۱۷۳

- نسبت جنسی جمعیت استان در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۰۱ می‌باشد. به عبارت دیگر در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۰۱ نفر مرد وجود دارد.
- میانگین سنی جمعیت استان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ از ۲۳/۰۰ به ۲۷/۶۱ سال رسیده است. میانه سنی در طی همین سال‌ها نیز از ۱۸/۰۷ به ۲۳/۹۷ سال افزایش یافته است.
- از جمعیت ۱۲۲۸۱۵۵ نفری استان ۱۲۲۴۸۸۶ نفر دارای دین اسلام هستند.
- از کل جمعیت سرشماری شده ۱۲۲۳۸۱۱ نفر دارای تابعیت ایرانی و ۸۷۵ نفر تابعیت غیر ایرانی دارند و ۵۳۲ نفر از اتباع خارجی استان را افغانی‌ها تشکیل می‌دهند.
- نسبت باسوادی در این استان برابر با ۸۰/۰۴ درصد می‌باشد این نسبت در سال ۱۳۷۵، ۷۳/۳۲ درصد بوده است.
- موازنه مهاجرتی استان اردبیل منفی و از استان‌های مهاجر فرست بوده است. بیش‌ترین علت مهاجرت (۴۰/۳۶ درصد) مربوط به پیروی از خانوار و بعد از آن پایان خدمت و وظیفه (۱۶/۶۸ درصد) و تحصیل (۱۱/۱۷ درصد) می‌باشد.
- نسبت جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده در سال ۱۳۷۵ برای مردان ۵۰/۸۳ درصد و برای زنان ۵۷/۰۲ درصد بوده است در حالی‌که در سال ۱۳۸۵ این نسبت برای مردان ۵۴/۷۳ درصد و برای زنان ۶۲/۳۷ درصد می‌باشد.
- میانگین سن در اولین ازدواج در سال ۱۳۸۵ برای مردان ۲۶/۰۶ و برای زنان ۲۳/۵۵ می‌باشد.
- تعداد خانوارهای استان از ۲۱۳۷۶۶ خانوار در سال ۱۳۷۵ به ۲۸۱۹۰۱ خانوار در سال ۱۳۸۵ رسیده است.
- بعد خانوار از ۵/۴۶ در سال ۱۳۷۵ به ۴/۳۶ در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.
- نسبت زنان سرپرست خانوار از ۷/۲۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۸/۷۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.
- نسبت خانوار به واحد مسکونی از ۱/۱۴ در سال ۱۳۷۵ به ۱/۱۱ در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.

نسبت خانوارهایی که نحوه تصرف محل سکونت آن‌ها ملکی عرصه و اعیان بوده است از ۸۱/۷۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۴/۷۶ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.

نسبت خانوارهایی که نحوه تصرف محل سکونت آن‌ها اجاره‌ای بوده است از ۸/۰۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴/۸۰ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

۴۵/۰۰ درصد از واحدهای مسکونی استان، زیربنایی بین ۸۱ تا ۱۵۰ متر مربع داشته‌اند.

از کل واحدهای مسکونی ۲۳/۴۷ درصد واحدها دارای اسکلت فلزی، ۱۰/۳۸ درصد دارای اسکلت بتون آرمه و ۶۵/۵۹ درصد دارای اسکلتی غیر از فلزی و بتون آرمه بوده‌اند.

مرکز آمار ایران